

دانش سیاسی - ۱۱

نوشته‌ی

مجید استوار

انقلاب اسلامی و
نبرد نمادها

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

فهرست مطالب

☆ مقدمه ۹

بخش اول

مباحث نظری

۱۴	فصل اول: جامعه‌شناسی نهادها
۱۷	گفتار اول: رویکرد پراگماتیسم در حوزه نمادها
۱۷	جرج هربرت مید
۱۹	هربرت بلومر
۲۰	تالکوت پارسونز
۲۴	گفتار دوم: رویکرد ساختارگرایی در حوزه نمادها
۲۴	امیل دورکیم
۲۸	رولان بارت
۳۰	لویی آلتوسر
۳۴	گفتار سوم: رویکرد مارکسیسم غیر ساختارگرا در حوزه نمادها
۳۵	آنتونیو گرامشی
۳۹	فصل دوم: قدرت نهادین
۳۹	گفتار اول: رویکرد پراکسیولوژی در حوزه نمادها
۴۲	نظریه پراتیک

۴۳	خصلت
۴۵	سرمایه اقتصادی
۴۶	سرمایه اجتماعی
۴۷	سرمایه فرهنگی
۴۸	سرمایه نمادین
۴۸	میدان
۵۱	گفتار دوم: زبان و قدرت نمادین
۵۲	زبان
۵۴	قدرت نمادین
۵۹	گفتار سوم: چارچوب نظری

بخش دوم

جهان نمادین ایران

۶۸	فصل سوم: تاریخچه و ابعاد جهان نمادین ایران باستان
۷۰	خداحوری
۷۱	آیین‌ها و رسوم نمادین
۷۴	پیوند دین و سیاست
۷۵	فتره ایزدی
۷۷	نمادهای ایران باستان
۸۱	فصل چهارم: تاریخچه و ابعاد جهان نمادین اسلامی-شیعی
۸۳	اسلام ایران
۸۵	آیین‌های نمادین
۸۷	ظلم‌ستیزی
۸۸	ولایت و انتظار موعود
۹۱	نمادهای اسلامی-شیعی و همسویی با نمادهای باستانی

بخش سوم

تجدد و گسست در جهان نمادین ایران

۹۹	فصل پنجم: تاریخچه و ابعاد ورود تجدد
۱۰۳	آموزش و تأسیسات تمدنی جدید
۱۰۵	مشروطه
۱۱۵	فصل ششم: نقش روشنفکران در همسوسازی ایران باستان و تجدد
۱۱۶	گفتار اول: بررسی نشریه‌های کاوه، ایرانشهر و آینده
۱۲۴	گفتار دوم: عناصر همسوسازی جهان نمادین باستان و تجدد
۱۲۴	نمادسازی از چهره‌های باستانی
۱۲۴	دیکتاتوری مصلح
۱۲۵	ایجاد تأسیسات تمدنی به سبک غرب
۱۲۵	اصلاح دینی
۱۲۵	ایجاد وحدت ملی
۱۲۶	تأمین استقلال سیاسی
۱۲۷	فصل هفتم: جهان نمادین رضاشاه پهلوی
۱۲۸	الف) خصلت و سرمایه‌های رضاشاه
۱۳۱	ب) میدان سیاسی رضاشاه
۱۳۳	ج) اقدامات رضاشاه در میدان سیاسی
۱۳۳	ناسیونالیسم باستان‌گرا
۱۳۹	تمدن بولوارها
۱۴۵	فصل هشتم: جهان نمادین محمدرضا شاه پهلوی
۱۴۶	گفتار اول: استمرار همسوسازی جهان نمادین باستان و تجدد
۱۴۸	فتره ایزدی
۱۴۹	کوروش، نهاد عظمت شاهنشاهی
۱۵۰	ایرانیّت
۱۵۱	امریکا، نهاد غرب‌گرایی

۱۵۳	گفتار دوم: خصلت، سرمایه‌ها و اقدامات محمدرضا شاه در میدان سیاسی
۱۵۳	الف) خصلت و سرمایه‌ها
۱۵۵	ب) میدان سیاسی
۱۵۶	ج) اقدامات باستان‌گرایانه در میدان سیاسی
۱۵۷	تاج‌گذاری
۱۵۷	برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدساله
۱۵۹	تغییر تقویم هجری
۱۵۹	د) اقدامات غرب‌گرایانه در میدان سیاسی
۱۶۰	تغییر چهره و زبان
۱۶۱	تأسیس مراکز فرهنگی

بخش چهارم

شکل‌گیری انقلاب اسلامی

۱۷۱	فصل نهم: نقش روشنفکران در شکل‌گیری جهان‌نادرین اسلامی-شیعی
۱۷۲	فخرالدین شادمان: بومی‌گرایی ایرانی
۱۷۵	جلال آل‌احمد: سنت‌گرایی غرب‌ستیز
۱۸۰	صمد بهرنگی: ادیب‌غرب‌ستیز
۱۸۵	داریوش شایگان: اشراق‌گرایی ایرانی
۱۹۰	احسان نراقی: جامعه‌شناس هویت‌گرا
۱۹۲	علی شریعتی: روشنفکر نهادساز
۱۹۹	فصل دهم: نقش روحانیان در شکل‌گیری جهان‌نادرین اسلامی-شیعی
۲۰۴	گفتار اول: آیت‌الله خمینی: رهبری نمادین
۲۰۵	خصلت و سرمایه‌های آیت‌الله خمینی
۲۰۷	میدان سیاسی
۲۰۹	گفتار دوم: اقدامات آیت‌الله خمینی در میدان سیاسی
۲۰۹	الف) مقابله با نهادهای باستان‌گرایانه پهلوی

۲۱۰	تقابل با فر پادشاهی
۲۱۱	مخالفت با جشن‌های شاهنشاهی
۲۱۲	مخالفت با تغییر تقویم هجری
۲۱۳	اولویت اسلامیت بر ایرانیت
۲۱۴	ب) مقابله با نهادهای غرب‌گرایانه پهلوی
۲۱۵	مخالفت با امریکا، نهاد غرب‌گرایی
۲۱۶	مخالفت با مراکز فرهنگی غرب‌گرا
۲۱۷	تغییر در چهره و زبان
۲۱۸	ج) قدرت‌نادرین نزد آیت‌الله خمینی
۲۲۱	فصل یازدهم: نبرد نهادها و پیروزی انقلاب اسلامی
۲۲۲	امام حسین(ع) در مقابل یزید
۲۲۵	امام مهدی(عج)
۲۲۶	گل لاله
۲۲۸	عاشورا در مقابل جشن‌های ۲۵۰۰ ساله
۲۳۳	نتیجه
۲۳۵	ذهنیت‌نادرین ایرانی
۲۳۶	ذهنیت و قدرت‌نادرین
۲۳۷	عملکرد ذهنیت‌نادرین در میدان سیاسی ایران
۲۴۱	سخن آخر
۲۴۵	☆ کتابنامه
۲۵۹	☆ نمایه اشخاص
۲۶۱	☆ نمایه اماکن
۲۶۵	☆ نمایه کتب و نشریات
۲۶۷	☆ نمایه اصطلاحات، گروه‌ها و...

مقدمه

پس از گذشت سه دهه از وقوع انقلاب اسلامی، تأمل در شکل‌گیری این واقعه همچنان تازگی و جذابیتی ویژه دارد. هنوز رهبران ایران از تداوم آن در زمان کنونی سخن می‌گویند و بر غرب‌ستیزی، استقلال و خودکفایی ایران تأکید می‌کنند و کنش‌های روزمره مردم را بر مبنای وفاداری به آرمان‌ها و نمادهای عصر انقلاب می‌سنجند.

وقوع انقلاب سال ۵۷ ش از این حیث که با کمترین خشونت فیزیکی و در کمترین زمان ممکن به پیروزی رسید در رفتار، چهره‌ها، پوشش و سخن گفتن ایرانیان تغییرات شگرفی پدید آورد و کنجکاوی ما را در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری آن برانگیخت.

این کنجکاوی اولیه، ذهن ما را متوجه نقش عوامل نامریی در شکل‌گیری زندگی اجتماعی و سیاسی در بستر تاریخ معطوف ساخت. مطالعه تاریخ ایران حکایت از آن دارد که این سرزمین از ابعاد نمادینی برخوردار است که بدون توجه به آن نمی‌توان وقایع مهم سیاسی و اجتماعی را به بحث گذاشت. اولین آریایی‌هایی که وارد سرزمین ایران شدند، نشان‌های فرهنگی خود نظیر یکتاپرستی، فزّه ایزدی، نبرد نیکی و بدی و احترام به طبیعت را درون این جامعه استوار ساختند و آن را تداوم بخشیدند. بسیاری از سنن نمادین نظیر آیین نوروز، سیزده‌بدر، چهارشنبه‌سوری و شب یلدا در حال حاضر از عناصری هستند که از ایران باستان به اکنون منتقل شده و با ترکیب اسلام و آیین‌های شیعی نظیر عاشورا و توسل به امامان معصوم خمیرمایه ذهنیت ایرانی را تشکیل می‌دهند. هریک از این آیین‌ها و سنت‌ها برای ایرانیان از ابعاد نمادینی برخوردار هستند که در بزنگاه‌های تاریخی؛ ذهن ایرانی را به حرکت و واکنش واداشته است.

علاوه بر مانایی این عناصر فرهنگی، ایران به عنوان سرزمینی تاریخی با زمینه‌های فرهنگی چندهزارساله مشحون از نبرد نمادها مثل رستم و اسفندیار است که در اسطوره، ادبیات و دین حضوری برجسته و نمایان دارد. اسفندیار، مظهر یک دین رسمی است و رستم در مقابل آیین رسمی با توسل به نماد سیمرغ از اسطوره‌ها دفاع می‌کند. این نبرد سمبولیک طی قرن‌ها بر سر ادبیات، فرهنگ و سیاست ایران سایه افکنده است و به شکل‌های متفاوت، اما ماهیتی یکسان خود را بازمی‌نمایاند.

طی دوران انقلاب اسلامی، ملت ایران با رجوع به آداب، سنن و فرهنگ خویش به ستیز با مظاهر فرهنگ بیگانه‌ای رفت که خود را با آن همراه نمی‌دید. این انقلاب با اتکا به برداشتی جدید از

در واقع سنت و تجدد مقابل هم قرار گرفتند، سنت‌گرایان با تکیه بر اندیشه دینی و تاریخی ایرانیان به جنگ اندیشه مدرنیسم مطلقه و غرب‌گرایانه متجددان شتافتند. در این کارزار همه چیز رنگ و بوی نمادین گرفت.

وجه نمادین نبرد بین اسلام و مدرنیسم در نوع چهره‌ها، لباس پوشیدن، زیستن و سخن گفتن انقلابی و حرکات بدنی تجلی می‌یافت که همه برآمده از فرهنگ انقلابی و ساده‌زیستی بود که روحانیان و روشنفکران دینی مبلغ آن بودند. رمزگان این نظام نمادین از خدامحوری، وجود خیر و شر یعنی عدل و انصاف و مبارزه با ظلم، غرور ملی و انتظار موعود در فرهنگ ایرانی موجود بوده و هست که در واقع از عناصر مشترک فرهنگ ایرانیان باستان و ایرانیان عصر انقلاب بود. بنابراین نظام نمادین سنت‌گرایان اسلامی در ذهن تاریخی ایرانیان ریشه دوانیده بود و در آثار کلاسیک و ادبی همچون شاهنامه، مثنوی معنوی و اشعار حافظ و سعدی وجودی بارز داشت؛ عناصری که حکومت پهلوی کمتر به آن توجه کرد و رهبران انقلاب با پررنگ ساختن آن به دنبال عظمت اسلام بودند. در واقع رژیم پهلوی با خوانشی جدید به تبیین ابعاد نمادین ایران باستان پرداخت و با تکیه بر فرّ و شکوه شاهنشاهی به همسویی تاریخی جهان نمادین ایران باستان و اسلام، وقعی نهاد.

بنابراین، این پژوهش به منظور فهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران از منظر جامعه‌شناسی، بدین موضوع پرداخته است که چگونه کاربست نمادهای اسلامی-شیعی^۱ در مقابل نمادهای باستانی و غرب‌گرایانه سبب پیروزی انقلاب شده است.

علی‌رغم آنکه این دانش‌پژوه به مباحث تاریخی گسترده‌ای اشاره کرده است، این پژوهش تاریخی نیست. پژوهشگر سعی نمود رخدادهای سیاسی ایران را با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی درک نماید و ارائه مفهوم ذهنیت نمادین ایرانی که در نتیجه پژوهش از آن سخن گفتیم، تلاشی است به منظور صورت‌بندی روایت نمادساز ذهن ایرانی. این ذهن نمادین موقعیت ویژه‌ای در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان دارد؛ اعتقاد به وحدانیت، امامت، دفاع از مظلوم و انتظار موعود از عناصر نمادساز این ذهن تاریخی بوده است. به همین سبب نزد ایرانیان، نمادهایی چون همن، سیاوش و سوشیانت در ایران باستان، در عصر اسلامی در قامت شخصیت‌هایی چون امام علی (ع)، امام حسین (ع) و امام مهدی (عج) تداوم می‌یابد.

این ذهنیت در طول تاریخ وجود داشته است اما برای تأثیرگذاری نیازمند پیامبرانی نمادساز بود که با تکیه بر این میراث کهن تحولی بزرگ پدید آورند.

۱. نمادهای اسلامی-شیعی به نمادهایی اطلاق می‌گردد که با ورود اسلام و مذهب شیعه در ایران گسترش یافت و در فرهنگ و زندگی روزمره ایرانیان حضوری برجسته پیدا کرد. امام حسین (ع)، بیرق عاشورا و دست بریده به عنوان نمادهای مظلومیت بیانگر روح سوگوار ایرانی در تاریخ این سرزمین اند که از اهمیت جهان نمادین اسلامی-شیعی در زندگی اجتماعی و سیاسی ایرانیان حکایت دارد. این نمادها در حوزه سیاسی نیز تأثیرگذار بوده‌اند و در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ۵۷ نقشی بی‌همتا داشتند. روحانیان و روشنفکران دینی در آن دوره با کاربست این نمادها در جامعه ایران، میدان سیاسی را بیش از پیش نمادین ساختند و به جنگ نمادهای دیگر از داس و چکش کمونیست‌ها تا شیر و خورشید و تاج شاهنشاهی رفتند.

اسلام در قالب نمادهای اسلامی-شیعی، تحولی جدید در اذهان آدمیان ایجاد کرد که رژیم شاه با پشتیبانی نمادهای باستانی و غرب‌گرایانه از یک‌سو و قدرت نظامی و فیزیکی از سوی دیگر نتوانست بر این تغییر نمادین فایق آید.

یکی از اولین حرکت‌های نمادین در جریان پیروزی انقلاب تشبیه شاه به یزید و ارتش شاه به سپاه یزید بود. امثال این تشبیه‌سازی‌های نمادین باعث می‌شد که مردم معترض در جریان تظاهرات خیابانی از شهامت بی‌همتا برخوردار شوند و خود را از یاران امام حسین (ع) تصور نمایند که با سپاه ظلم در حال جنگ‌اند. نگاهی به مذاکره فرماندهان ارتش طی سه ماه پیش از وقوع انقلاب اسلامی گویای این واقعیت است که سربازان رژیم پهلوی در مقابل این نمادسازی‌ها مستأصل و توان‌برخور با تظاهرکنندگان را از دست داده بودند.^۱

همین ابعاد نمادین در مخالفت آیت‌الله خمینی با نمادهای رژیم پهلوی نیز کاملاً مشهود است. وی بارها در سخنرانی‌های خود از نمادهای عاشورا، امام حسین (ع) و کربلا در مبارزه با رژیم پهلوی استفاده کرد و اذهان ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. ابعاد نمادین این نبرد هنگامی گسترده می‌شود که مخالفان رژیم در برابر نمادهای شاهنشاهی از نمادهای اسلامی مثل بیرق سه‌گوش سیاه، آیات قرآن و غیره در اماکن عمومی استفاده می‌کردند.

در واقع ریشه این تحولات نمادین به اقدامات رژیم پهلوی در نوسازی ایران بازمی‌گشت که واکنش گروه‌های سنتی جامعه را در پی داشت. طی این دو دهه، حکومت پهلوی با تأکید بر نمادهای باستانی و غرب‌گرایانه^۲ مجموعه پیچیده‌ای از عناصر مختلف از جمله نظریه شاهی ایرانی، پاتریونیالیسم سنتی، توسعه و نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی، اقتدارگرایی، اصلاحات از بالا، عقلانیت مدرنیستی، ناسیونالیسم ایرانی، مرکزیت سیاسی، مدرنیسم فرهنگی، سکولاریسم و توسعه صنعتی را به کار گرفت.

این عناصر برای عبور جامعه از صورت‌بندی سنتی و ماقبل سرمایه‌دارانه به صورت‌بندی مدرن و سرمایه‌دارانه، آسیب‌های عمده‌ای به گروه‌های اجتماعی، فرهنگ و باورهای جامعه سنتی وارد کرد. در نتیجه علمای دینی، اصناف، تجار و بازار، فرقه‌های دینی و اقلیت‌های قومی از سیاست‌های نوسازی پهلوی آسیب دیدند و بیشترین واکنش را نسبت به آن ابراز کردند (بشیریه ۱۳۸۱: ۶۹-۶۸).

در نتیجه تأکید رژیم پهلوی بر همسوسازی جهان نمادین ایران باستان و غرب، مخالفان رژیم؛ ضد نمادی ساختند که بر پایه سنت اسلامی-شیعی و فرهنگ دینی و حتی ملی، نمادهای اندیشه رقیب را به مبارزه فرامی‌خواند.

۱. ر.ک. به: مثل برف آب خواهیم شد: مذاکرات شورای فرماندهان ارتش (دی، بهمن ۱۳۵۷).

۲. نمادهای غرب‌گرایانه به مجموعه پدیده‌هایی اطلاق می‌گردد که یادآور زندگی اروپایی و تجدد غربی هستند. این نمادها در پوشاک، ژست‌ها، کلمات و بسیاری چیزهای دیگر تبلور می‌یابند. مانند کراوات و حتی عینک و ساعت مچی، کلاه دوره‌دار یا تعظیم به شیوه غربی. نمادهای غرب‌گرایانه از اواخر قرن نوزدهم وارد ایران شدند و در قرن بیستم در ایران گسترش یافتند. در دوره پهلوی این نمادها با تغییر لباس و چهره ایرانیان، تأسیس مراکز فرهنگی، باشگاه‌ها و کاباره‌ها و توسعه مراکز خرید در ایران همراه و نشان‌دهنده تمایز اساسی میان زندگی سنتی ایرانیان و غرب بودند.